

عوامل موثر بر سازگاری اجتماعی مهاجران

(مطالعه موردی: شهر بومهن)

ناهید ساریخانی^{۴۹}

لیلا همایی^{۵۰}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۲۸

چکیده

امروزه افراد زیادی در سراسر دنیا به دلایل متفاوتی مانند جنگ، کار، تحصیل و ... تن به مهاجرت های کوتاه و طولانی مدت و یا حتی دائم می دهند. از طرفی، وجود فرهنگ ها، باورها، ارزش های متفاوت در جوامع مختلف، تأثیر زیادی در ساختار شخصیت و تربیت افراد مهاجر و حتی جوامع مهاجرپذیر خواهد داشت که این تأثیرات می تواند منجر به تغییرات مثبت یا منفی رفتاری و یا حتی آسیب هایی در این افراد شود. بنابراین سازگاری اجتماعی افراد مهاجر و منطقه مهاجر پذیر از جمله مباحثی است که توجه بسیاری از اندیشمندان و جامعه شناسان را به خود جلب کرده است.

این مطالعه به منظور شناسایی عوامل موثر بر سازگاری اجتماعی مهاجران شهر بومهن صورت گرفته است. جامعه آماری، شامل کلیه افراد مهاجر شهر بومهن در سال ۱۳۹۳ بوده، و روش پژوهش علی-مقایسه ای؛ با بهره گیری از فرمول کوکران حجم جمعیت نمونه انتخاب گردید. ۲۰۰ نفر به گروه مهاجر و ۲۰۰ نفر به گروه بومی اختصاص داده شد. با توجه به نتایج جمعیت شناختی افراد مهاجر در شهر بومهن، مهاجرت پدیده ای اقتصادی بوده است. همچنین نتایج فرضیه ها نشان داد، بین اثر تعاملی "جنسیت" و "سازگاری اجتماعی" افراد مهاجر و غیر مهاجر (بومی) تفاوت معناداری ($F=24/997$ و $Sig=0/000$) وجود داشته است. به علاوه، بین اثر تعاملی وضعیت تاهل و سازگاری اجتماعی افراد مهاجر و غیر مهاجر (بومی) تفاوت معناداری ($F=25/976$ و $Sig=0/000$) نیز وجود داشته است. هم چنین بین اثر تعاملی گروه سنی و سازگاری اجتماعی افراد مهاجر و غیر مهاجر (بومی) هم تفاوت معناداری ($F=2/757$ و $Sig=0/042$) وجود داشته است و بین اثر تعاملی پایگاه اقتصادی- اجتماعی و میزان سازگاری اجتماعی افراد مهاجر و غیر مهاجر (بومی) نیز تفاوت معناداری ($F=7/298$ و $Sig=0/000$) وجود داشته است؛ و در نهایت راهکارهای کاربردی در زمینه بهبود سازگاری اجتماعی در بومهن و هم چنین پیشگیری از مهاجرت ارائه شده است.

واژه های کلیدی: سازگاری اجتماعی، مهاجرت، مشکلات سازگاری، مهاجر.

۴۹- مدرس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن، ایران، نویسنده اصلی.

۵۰- کارشناسی ارشد جمعیت شناسی، مسئول مکاتبات

۱. مقدمه

انسان در بسیاری از شئون زندگی اجتماعی خود با سایر افراد جامعه در ارتباط دائم و پیوسته است. او باید برای ادامه حیات و تامین حوائج خود به زندگی گروهی تن در دهد و با دیگران برای رسیدن به هدف‌های مشترک، تشریک مساعی کند. در چنین شرایط و در روابط با سایر افراد است که هر کس ناگزیر باید در جامعه به نوعی سازگاری رضایت بخش دست یابد. در این مرحله است که گاهی وجود مشکلات مانع سازگاری آدمی، در حیات اجتماعی او می‌گردد. گوداشترین و لانیون (۱۹۹۵) سازگاری را فرایند پیوسته‌ای تعریف کرده‌اند که در آن، تجارب یادگیری اجتماعی شخص، توانایی و مهارت‌هایی را فراهم می‌سازد که از آن طریق می‌توان به ارضای نیازها پرداخت. در فرایند سازگاری و رفع نیاز و تحقق خواسته‌ها، انسان خود را در شرایطی می‌بیند که مشحون از مقررات، محدودیت‌ها، امر و نهی‌ها و معیارها و آداب رسوم اجتماعی است. او باید خود را با این شرایط تطبیق دهد. نه تنها موانع، مشکلات، ناکامی‌ها و شکست‌های آدمی ناشی از اوضاع محیط اجتماعی اوست، بلکه نیازها، آرمان‌ها و هدف‌های او نیز رنگ اجتماعی به خود گرفته و ساخته و پرداخته فرهنگ و محیطی می‌شود که در آن زندگی می‌کند. بدین سان مفهوم سازگاری از نظر انسان، سازگاری در اجتماع و نحوه برخورد موفقیت‌آمیز با هم‌نوعان می‌باشد (اسلامی نسب، ۱۳۷۳).

از نظر تاریخی، مفهوم سازگاری محتوایی زیست‌شناختی دارد که نظریه تکامل داروین بر آن اساس بنا شده است. بر این اساس، صرفاً جاندارانی زنده می‌مانند که بتوانند به نحو مطلوب و مناسب با رویدادهای محیطی دائماً در حال تغییر، انطباق پیدا کنند. قسمت عمده‌ای از رفتار انسان را می‌توان براساس رفتارها و انطباق‌های او با انواع مختلف خواست‌های جسمانی تعیین کرد. به طور خلاصه می‌توان گفت که سازگاری نوعی رابطه کامل با محیط است که شامل ارضاء تمام انواع نیازهای فرد و برآورده ساختن اکثر خواسته‌هایی است که به وی تحمیل می‌شود. سازگاری امری نسبی است و انسان‌ها به درجات مختلف آن نایل می‌شوند. در فرایند سازگاری اجتماعی شخص تلاش می‌کند در تقابل با محیط، نیازها و خواست‌های شخصی خود را برآورده سازد و در عین حال محیط نیز به او فشار می‌آورد تا او را در جریان‌ات یا مسیرهایی قرار دهد تا به روش و سبک خاصی رفتار نماید. بنابراین میزان سازگاری از حاصل ضرب نیازها و خواسته‌های شخصی و خواست‌های اجتماعی یا محیطی بدست می‌آید.

تاریخ بشر همواره شاهد مهاجرت‌های کوچک و بزرگ زیادی بوده است که به عقیده مورخین و جامعه‌شناسان، تمدن‌های گوناگونی از این مهاجرت پدید آمده و جامعه بشری را دست‌خوش تحول ساخته است. مهاجرت، حرکتی نسبتاً جمعی و دائمی از مکانی به مکان دیگر است (وقوفی، ۱۳۸۰: ۲۵). با توجه به این که هر جامعه‌ای فرهنگ، ارزش‌ها، هنجارها، باورها، تکنولوژی و شرایط اجتماعی-محیطی خاص خود را داراست؛ و در هر جامعه‌ای نیز میزان پایبندی به مسائل فرهنگی، محیطی و غیره با جوامع دیگر متفاوت است، سازگاری و هماهنگی فرد با خود و با محیط پیرامون خود یک ضرورت حیاتی است و تلاش روزمره انسان‌ها نیز عموماً حول این محور اساسی دور می‌زند. از سوی دیگر، هر انسانی می‌کوشد نیازهای گوناگون و گاه متعارض خود را در محیط زندگی خود برآورده سازد و این نیازها هستند که انسان را به سمت سازگاری با محیط پیرامون خود سوق می‌دهد (شادمان اصل، ۱۳۸۲).

حال می‌بایست دید انسان‌ها تا چه اندازه قدرت سازگاری دارند؟ اجتماعی شدن یک فرایند دو جانبه‌ی ارتباطی میان فرد و جامعه است. به همین دلیل، جریانی پیچیده به شمار می‌آید که ابعاد و جوانب گوناگونی دارد. چگونگی برقراری ارتباط با سایر افراد و سازگاری اجتماعی از جمله‌ی این ابعاد هستند. از سازگاری اجتماعی تعاریف زیادی شده است. (به نقل از عابدینی، ۱۳۸۱) سازگاری اجتماعی را مترادف با مهارت اجتماعی می‌دانند. از نظر آنان، مهارت اجتماعی عبارت است از توانایی ایجاد ارتباط متقابل با دیگران در زمینه‌ی خاص اجتماعی به طریقی که در عرف جامعه ارزشمند باشد. در

حالی که اسلاموسکی و دان (۱۹۹۶) سازگاری و مهارت اجتماعی را فرایندی می دانند که افراد را قادر می سازد تا رفتار دیگران را درک و پیش بینی کنند، رفتار خود را کنترل کنند و تعاملات اجتماعی خود را تنظیم نمایند. با توجه به این که انسان محصول اجتماع است و تحت تأثیر نظام ها و فرهنگ های جامعه قرار دارد. سازگاری او یک سازگاری اجتماعی است و در چنین شرایطی علاوه بر تامین نیازهای خود باید بتواند آرامش و تعادل خود را حفظ کند. از سوی دیگر می دانیم، مهاجرت به مثابه پدیده ای مرتبط با زمان، فرهنگ و شرایط اقتصادی، نوعی انطباق و سازگاری اجتماعی به شمار می رود که در پاسخ به نیازهای اقتصادی، اجتماعی و تحولات فرهنگی ناشی از حوادث، در سطح محلی، ملی یا بین المللی پدید می آید (شیخی، ۱۳۶۹: ۲۹). همچنین مهاجران با پایگاه های فرهنگی، اجتماعی مختلف وارد محیط بزرگتر و کار می شوند و بر محیط های شهری و روستائی منطقه مقصد تاثیر می گذارند و روند طبیعی زندگی را در این مناطق دست خوش تغییر و تحول می کنند و غالباً دچار مشکلات سازگاری می شوند. محیط مقصد برای مهاجران، به مثابه محیطی بیگانه است، به رغم آن که منطقه مقصد جزئی از وطن مهاجر محسوب می شود، اما وی احساس می کند که در آن جا به غربتی ناخواسته دچار شده که مجبور به تحمل آن است. هم چنین نظر به شرایط حاکم در مقصد، وضعیت های متفاوتی در مهاجران از حیث پذیرش یا دفع محیط جدید پدید می آید. از این رو، مهاجران را می توان در سطح کلی به دو دسته تقسیم کرد:

نخست، مهاجرانی که بیشترین لطمه را از مهاجرت دیده اند و از لحاظ اقتصادی در شرایط نامطلوبی قرار گرفته و در محیط جدید دچار نوعی سرخوردگی و وازدگی شده اند؛ دوم، مهاجرانی که به محیط جدید به خوش بینی نگریسته اند و سعی دارند که در مقصد نیز فعالیت از دست رفته را دوباره به همان وضع و میزان منطقه مبدا مجدداً آغاز کنند و در محیط جدید نهایت سازگاری را به دست آورند. در هر دو حالت، مهاجران به راحتی در مقصد جذب محیط نمی شوند. زیرا تنها خواست و اراده مهاجر در انطباق آنان با محیط موثر نیست، بلکه عوامل خارجی بر این فرایند تاثیر به سزائی دارند. پر واضح است که افراد منطقه مقصد، می توانند در سازگاری مهاجران با محیط جدید موثر باشند. چه بسا عدم یاری و همراهی از سوی موسسات و نهادهای مسئول و افراد منطقه مقصد، فرایند سازگاری آنان را با محیط میزبان با مشکل مواجه می کند.

به طور معمول، مهاجرت ها در سطح کلان، موجد تغییرات در سلسله مراتب ارزش ها و یا فرهنگ عمومی جامعه مهاجر پذیر می شود؛ و در سطح خرد، موجبات بروز مشکلات ناشی از نبود و یا کمبود تفاهم اجتماعی و تقابل فرهنگی مهاجران با جامعه میزبان را فراهم می کند. بنابراین بحث در مورد سازگاری اجتماعی مهاجران یکی از مسائل جدید شهرهای بزرگ یا شهرهای نزدیک به شهرهای بزرگ و اشتغال زا است؛ و از آنجا که شهر بومهن (از سال ۱۳۷۵ تبدیل به شهر شد) به تهران بزرگ نزدیک است و هزینه های زندگی نسبت به تهران پایین تر است، بخشی از مهاجران این منطقه را برای زندگی و سکونت انتخاب کرده اند. از این رو، مطالعه عوامل موثر بر سازگاری اجتماعی مهاجران در شهر بومهن می تواند هم برای مسئولان و نهادهای اجرائی، و هم برای نهادها و سازمان های مردمی، به منظور شناسایی مشکلات و معضلات مهاجران در مقصد راه گشا باشد. هم چنین این نوع مطالعات امکان شناخت علمی نسبت به پدیده سازگاری اجتماعی مهاجران در منطقه مقصد را فراهم می کند. لازم به ذکر است در این مطالعه، منظور از تحقق سازگاری اجتماعی، از بین رفتن کامل هویت قومی و فرهنگی نیست، بلکه تقویت وفاق اجتماعی و اشتراکات فرهنگی در کنار حفظ هویت قومی و فرهنگی مهاجران است که باید مد نظر مسئولان و دست اندرکاران شهر بومهن قرار گیرد. از این رو در این پژوهش تلاش شده است به سوالات اصلی زیر پاسخ داده شود:

چه عواملی بر سازگاری اجتماعی مهاجران شهر بومهن موثر می‌باشد؟ و کدام یک از این عوامل، تأثیری بیشتری بر سازگاری اجتماعی مهاجران دارد؟

سازگاری، تطبیق یا وفق دادن شخص نسبت به محیط است. مثل وقتی که می‌گوییم یک فرد نسبت به محیط خود سازگار است یا در گروهی که به آن متعلق است، سازگار می‌باشد (یمینی دوزی سرخابی، ۱۳۷۱: ۶۲).

در تعریف دیگر، سازگاری این است که فرد با دیگران طوری رفتار کند، که هیچ‌گونه مشکل و درگیری با آنان نداشته باشد. انسانی را سازگار تلقی می‌کنیم که مسائل و رفتار منطقی دیگران را قبول کند و اگر با محیطی نمی‌تواند سازش پیدا کند، محیط دیگری برایش وجود داشته باشد (رول و واتنبرگ، ۱۳۵۳؛ به نقل از بیدلی نامنی، ۱۳۸۱).

از نظر بالبی، سازگاری یک مطالعه بین نیازهای فرد و خواسته‌های اجتماعی است که در آن زندگی می‌کند. اگر شخص به عنوان یکی از اعضای ارگانیک اجتماعی عمل کند، گرایش‌های او باید محدود شود و در جهت معینی کانالیزه شود (بالبی، ۱۹۵۲؛ به نقل از آرام‌نیا، ۱۳۷۷). از نظر بارلو، سازگاری عبارت است از رفتار مفید و مؤثر آدمی در تطبیق با محیط فیزیکی و روانی؛ به هرگونه‌ای که تنها با تغییرات محیطی هم‌رنگی نکرده و به پیروی ناهشیار از آن کفایت نکند، بلکه خود نیز می‌تواند در محیط تأثیر گذاشته و آن را به گونه‌ای مناسب تغییر دهد (فلدمن، ۱۹۸۹؛ به نقل از آرام‌نیا، ۱۳۷۷). انسان همیشه برای "بودن" و "شدن" خود در ارتباط با محیط به طور کلی اندیشیده و می‌اندیشد و نتیجه اندیشیدن درباره‌ی همین دو فرآیند است که موجب پیدایش نظریه‌های گوناگون شده است. زیرا آدمی تنها موجود زنده‌ای است که آگاهانه و آزادانه فعالیت می‌کند، یعنی رفتار هدفمند دارد (شعاری نژاد، ۱۳۶۸). در رابطه با سازگاری اجتماعی و مهاجرت نیز نظریه‌هایی را ارائه کرده‌اند که به برخی از آنها در این قسمت اشاره شده است:

۲-۱-۱-۲-۱- نظریه انسان‌گرایی و اصالت وجودی: در دیدگاه انسان‌گرایی و اصالت وجود که بر اراده و مسئولیت انسان برای تسلط یافتن بر نیروهای محیطی تأکید می‌ورزند و معتقدند که انسان محصول انتخاب‌های خویش است. وجودنگرها از هستی سخن می‌گویند، دنیایی که شخص خود را در آن می‌یابد و از ذات، که شخص به انتخاب خود، از آن دنیا می‌سازد.

یکی از فرضیه‌های اصلی دیدگاه انسان‌گرایی، خودشکوفایی یا کمال خویش است که به صورت نیروی فعال در انسان وجود دارد. وقتی که شخصیت انسان در محیطی مساعد رشد نماید، نیروهای خلاق آزاد می‌شوند و طبیعت درونی انسان را آشکار می‌کنند. بنابراین اختلال روانی و پریشانی، نتیجه مسدود شدن راه‌های رسیدن به تحقق خود و تمایلات معطوف به کمال است. براساس نظر مازلو، زمانی که انسان نتواند نیازهای اساسی خود را برآورده کند و در راه تحقق خویش، مانع ایجاد شود، دست به رفتار ناسازگارانه می‌زند (آزاد، ۱۳۷۳).

هنگامی عمل تحریف یا انکار تجربه در فرد به وقوع می‌پیوندد که تجربه حفظ شده در وی با ساختار خود او ناهمخوانی داشته باشد (میدور و راجرز، ۱۹۷۹؛ به نقل از صدیقی، ۱۳۸۰). وقتی این نوع ناهمخوانی، بین تجربه واقعی و تجربه ادراک شده فرد وجود داشته باشد، نتیجه اش آنست که چنین شخصی دچار تنش و گم‌گشتگی می‌شود.

از نظر راجرز (۱۹۶۳) انسان ذاتاً ماهیتی مثبت دارد و مسیر حرکت او در مجموع به سوی خودشکوفایی، رشد و اجتماعی شدن است (پروین، ۱۳۷۲).

بنابراین براساس نظریه اصالت وجودی، انسان در انتخاب راه‌های خود برای پیشرفت و فعالیت آزاد است و کسانی که ناراضی و ناخشنود هستند، رفتار ناسازگارانه از خود بروز می‌دهند (آزاد، ۱۳۷۳).

۲-۱-۲-۲- نظریه روان‌شناسی فردی آلفرد آدلر: آدلر مبتکر یا شعبه خاصی در روانکاوی است به نام "روانشناسی فردی". دلیل این نامگذاری این است که در این مکتب، شخص انسان با توجه به محیط و عوامل خارجی مورد مطالعه و

بررسی قرار می گیرد (پور مقدس، ۱۳۶۷). اساس نظریه او بر این است که انسان در اصل به وسیله عوامل اجتماعی برانگیخته می شود و نه عوامل بیولوژیک و هم چنین انگیزه‌ی اساسی رفتار بشر، جستجو برای قدرت است. آدلر معتقد است که در هر انسانی احساس حقارت وجود دارد. زیرا هر فرد هنگام تولد موجودی کاملاً ضعیف و بیچاره است و در تمام دوران کودکی به دیگران اتکاء دارد. این احساس حقارت را عوامل جسمی و اجتماعی تشدید می کنند. یکی از روش های برگزیده برای جبران این احساس حقارت و ضعف، تلاش برای کسب قدرت و روش های دیگری مثل انکار و عقل نشینی از واقعیت است.

البته هدف تمامی انسان ها رسیدن به قدرت و برتری است، اما با این وجود هر فردی برای رسیدن به مقصود روش ها، طرق و روال خاص خود را دارد که همان "سبک زندگی" نام دارد. همین عامل، اساس واکنش های فرد، خلاقیت ها و نحوه سازگاری او با خود و با جهان بیرون است (شاملو، ۱۳۶۸).

آدلر معتقد است که عقده حقارت در افراد موجب آن می شود که شخص مکانیسم جبران افراطی را به کار ببرد که نشان دهنده انکار فرد به جای قبول موقعیت با تلاش افراطی برای پنهان داشتن یک ضعف می باشد. آدلر عقده حقارت را برای توصیف شخصی به کار می برد که احساسات ناشی از ناپسندیدگی را انحراف آمیز می کند. جبران روانی به خاطر آن به کار می رود تا شخص عقده حقارت را تا آن جایی که ممکن است پنهان سازد یا به شخص کمک کند تا بر آنها مسلط شود. تا زمانی که جبران، مخالف مصالح اجتماعی نباشد و شخص به عنوان یک مکانیسم به کار می برد، یک شخص طبیعی است و دیگران او را طبیعی می دانند. ولی هر گاه جبران، به وسیله تسلط بر دیگران شود و فرد سعی کند تزویرهای توأم با تجاوز به کار ببرد در این صورت یک شخص ناسازگار است.

در نظریه آدلر اختلاف دیگری که بین افراد سازگار و ناسازگار وجود دارد در اهداف فرد است؛ بدین معنی که افراد طبیعی واقعیت را به خوبی می بیند و اهداف دور از واقعیت را که رسیدن به آنها غیر ممکن است، هرگز انتخاب نمی کنند، در صورتی که افراد ناسازگار توجهی به واقعیات ندارند و هدف های خود را نسنجیده انتخاب می کنند و این نشان دهنده برتری طلبی بیش از حد آنهاست. هرچه فاصله میان اهداف و واقعیات موجود بیشتر باشد، شخص به همان اندازه غیر طبیعی است (بیرو، به نقل از نوری، ۱۳۷۷).

۲-۱-۳- نظریه روان تحلیلی: در دیدگاه روان تحلیلی، شخصیت از سه بخش "بن"، "من" و "فرمان" تشکیل شده است. "بن"، مظهر غرایز و کشاننده های طبیعی است که در آن میراث بیولوژی و جنبه های ابتدایی از نیاز آدمی، خلاصه می شود. از درون این پایگاه، به تدریج دو بخش دیگر شخصیت پدیدار می شوند که انرژی آنها نیز به وسیله همین پایگاه تأمین می شود. "بن"، از دو محتوی تشکیل شده است: **۱- غریزه زندگی:** موجب بقاء و تداوم زندگی است. **۲- غریزه مرگ:** موجب انقراض نسل، پرخاشگری و تخریب می شود. "بن"، در ارضاء و تجلی نیازهای خود تعجیل دارد و واقعیات و امکانات را لحاظ نمی کند، زیرا تابع اصل لذت است. سیستم "بن"، غرایز و کشاننده هایی در درون خود دارد که نمی تواند آنها را به توانایی برآورده سازد، به همین دلیل است که پایگاه "من" در شخصیت تحول پیدا می کند و نقش واسطه ای و میانجی گری را میان خواسته های "بنگ" و واقعیات دنیای خارج به عهده می گیرد. "من" برخلاف "بن" تابع واقعیت است. بخش سوم "فرمان" است که هسته اولیه آن از دستورات والدین شکل می گیرد، بدین صورت که در اولین دوره های زندگی کودک، یعنی دوران استیلای والدین، میراثی در "فرمان" کودک از دستورات و امر و نهی های پدر و مادر فراتر رفته و تمام آداب و رسوم، قوانین، مقررات و اصول اخلاقی جامعه را در بر می گیرد (فیلد من، ۱۹۸۹؛ به نقل از صدیقی، ۱۳۸۰).

در دیدگاه روان‌تحلیلی، به فردی سازگار گفته می‌شود که واجد "بن قوی و سالم باشد. تا بتواند میان دو پایگاه دیگر شخصیت یعنی "من" و "فرمان" تعادل و هماهنگی ایجاد کند تا این‌ها بتوانند به وظایف خود به خوبی عمل کنند. در عین حال "من" زمانی آن قدر قوی و توانمند خواهد بود که فرد را به مقامی برساند که در برخورد با مشکلات از مکانیزم‌های دفاعی استفاده نکند یا نسبت به آنها هوشیار باشد. بنابراین، سلامت روان که یکی از ویژگی‌های اصلی و بارز انسان‌های سازگار می‌باشد، جدای از نبود مرض روانی است؛ یعنی برای یک چنین فردی، عدم مرض روانی، مصداق بارز سازگاری نیست (فروید، ۱۹۸۳؛ به نقل از صدیقی، ۱۳۸۰).

براساس نظر وینکات (۱۹۶۵) ناسازگاری کودکان ناشی از یک شکست در محیط دوران کودکی و در خلال دوران بحرانی وابستگی به مادر می‌باشد و این محیط از کودک، مادر و روابطشان که توسط پدر، حمایت و تقویت می‌شود، تشکیل یافته است. وینکات در این محیط برای مادر نقش مهم‌تری قائل است (صدیقی، ۱۳۸۰).

اریکسون معتقد است، زمانی طفل احساس هویت را در خود به وجود می‌آورد که با یک مادر خوب در ارتباط باشد. به نظر او و وینکات، بسیاری از کودکان ناسازگار و محروم اجتماع، هیچ‌گاه نتوانسته‌اند این حس هویت را در خود توسعه دهند.

۲-۲-۱-۴- نظریه انطباق فرد و محیط: تئوری انطباق فرد و محیط، یکی دیگر از دیدگاه‌های سازگاری اجتماعی فرد محسوب می‌شود. در چارچوب این تئوری که به دنبال مطالعات کرت لوین می‌باشد، محققین درصدد برآمدند به این سؤال پاسخ دهند که وقتی فرد با محیط اجتماعی خود انطباق حاصل می‌کند، چه نوع رفتاری پیدا می‌کند و اگر این انطباق و سازگاری صورت نگیرد چه نوع رفتاری خواهد داشت؟ فرض اساسی این تئوری این است که سازگاری می‌تواند به عنوان انطباق بهتر ویژگی‌های فرد و خصوصیات محیط باشد. انطباق فرد با محیط می‌تواند به عنوان نتیجه‌ای از کنش متقابل بین شخص و محیط باشند. مفهوم انطباق، تأکید بر جفت شدن متغیرهای فردی با متغیرهای محیطی دارد. هر قدر میزان جفت شدن این متغیرها بالاتر باشد، انطباق و سازگاری نیز بیشتر خواهد بود. این امر در مورد انتظاراتی است که فرد از محیط و بالعکس محیط از فرد دارد، هر اندازه انتظارات افراد با انتظارات محیط یکسان باشد، انطباق بین فرد و محیط بیشتر بوده و رفتار نیز صورت طبیعی خواهد داشت و فشار محیطی روی افراد کم خواهد بود. بر عکس هر اندازه انتظارات افراد با انتظارات محیط فاصله زیادی داشته باشد، فرد توانایی و فرصت استفاده از قابلیت‌های خود را پیدا نمی‌کند. در نتیجه فشار روانی روی او زیاد خواهد بود. از طرف دیگر، اگر انتظارات محیط، بیشتر از انتظارات فرد باشد در این صورت فرد نمی‌تواند به خواسته‌های محیط جوابگو باشد. لذا رضایتمندی او حاصل نشده باز هم فشارهای روانی زیاد خواهد بود. در اثر چنین فشارهایی است که برخی حالت‌های خاص روحی از جمله ناسازگاری‌های اجتماعی روی می‌دهد (فخرایی، ۱۳۷۴).

۲-۲-۱-۵- نظریه مکتب فونکسیونل یا عمل: پیروان این مکتب را "عمل‌گرایان" می‌نامند.

پایه گذاران این مکتب به جای مطالعه‌ی طرز تشکیل و ساختمان شعور یا خود آگاهی به بررسی طرز کار و هدف شعور پرداختند. موضوع روان‌شناسی از نظر این عده، سازگاری فرد با محیط است. در روان‌شناسی باید طریقی را که فرد از تجربیات روانی خود برای سازگاری با محیط استفاده می‌کند، مورد مطالعه قرار داد. انگل معتقد بود که در جریان زندگی و سازگاری فرد با محیط، حیات بدنی و روانی همکاری می‌کنند. بیشتر اعمال ما به صورت عادت ظاهر می‌شود و بدون آگاهی انجام می‌شود. به نظر او ترس، خشم و سایر عواطف برای بقاء انسان لازم است. این گونه عواطف، ما را با خطرات و موقعیت‌های تازه آشنا می‌کند. احساس مسرت یا ناخوشایندی که نتیجه حیات عاطفی است با هدف موجود زنده نیز ارتباط دارد. اگر در جریان سازگاری، فعالیت‌های روانی ما بدون برخورد به مانع به پیشرفت خود ادامه دهند، احساس

مسرت می کنیم. اما اگر این فعالیت ها با موانعی روبرو شوند و ما را از پیشرفت باز داشتند، در این صورت احساس ناخوشایندی در ما ایجاد می شود (شریعتمداری، ۱۳۸۲).

ویلیام جیمز و جان دیوئی، کوشش خود را جهت توصیف رفتار افراد، تنها با توجه به ساختمان درونی شخصیت، کافی ندانسته و بدین ترتیب، درصدد برآمدند که به تحلیل طرز سازگاری و انطباق با محیط افراد بپردازند. تأثیر بزرگی که دیوئی مخصوصاً بر روی نظریات "جرج هربرت مید" داشت، آن بود که برای مطالعه انسان در روان شناسی اجتماعی، باید به مطالعه و بررسی موقعیت اجتماعی یا فعالیت های اجتماعی افراد پرداخت (پور مقدس، ۱۳۶۷).

۲-۱-۲-۶- نظریه شناختی- اجتماعی: روان شناسان، سازگاری فرد در برابر محیط را مورد توجه قرار داده اند و خصوصیات از شخصیت را بهنجار تلقی کرده اند که به فرد کمک می کند تا خود را با جهان پیرامون سازگار نماید. طبق نظریه طرفداران تئوری شناختی- اجتماعی، آدمیان و موقعیت ها به دو صورت بر هم تاثیر می گذارند. لذا برای آنکه بتوان به پیش بینی رفتار دست زد، باید از تعامل ویژگی های آدمی با شرایط محیطی اطلاع حاصل نمود. به نظر آنها تعهد، کنترل، مبارزه جویی و توانایی در برقراری روابط محبت آمیز با دیگران، از جمله خصوصیات است که افراد سازگار با مقدار بیشتری از آنها برخوردارند (اتکینسون و همکاران، ۱۳۷۸). بندورا معتقد است که اختلالات روانی در افراد، نتیجه نبود خویشتن داری است. بنابراین به آنها کمک شود تا بر رفتار خود کنترل داشته باشند (آزاد، ۱۳۷۳).

طرفداران این تئوری معتقدند که: رفتار انسان را می توان از تعامل انسان و محیط تبیین کرد. فرایندی که بندورا آنرا "موجبیت دو جانبه" می نامد. انسان تحت تاثیر نیروهای اجتماعی است، ولی نحوه برخورد با آنها را خود انتخاب می کند. انسان هم نسبت به شرایط محیطی واکنش نشان می دهد و هم فعالانه آنها را تفسیر کرده و بر موقعیت ها تاثیر می گذارد. همان طور که موقعیت ها، انسان را شکل می دهند، انسان نیز موقعیت ها را انتخاب می کند و همان اندازه که انسان از رفتار دیگران تاثیر می پذیرد، در رفتار دیگران نیز تاثیر می گذارد. به طور کلی، تئوری شناختی- اجتماعی، انسان را به شرط درست عمل کردن، موجودی کاملاً سازگار می بیند که توانایی انطباق با شرایط متغیر محیطی را دارا است (پروین، ۱۳۷۲). طبق این دیدگاه، یادگیری و نگهداری تغییر بهنجار، درست مثل یادگیری رفتار عادی است و رفتار عادی را می توان یک سازگاری به حساب آورد که از یک گذشته پر از تقویت ناشی شده است (المن و کرانز، ۱۹۶۹؛ به نقل از پروین، ۱۳۷۲).

۲-۱-۲-۷- نظریه بوم شناسی: این دیدگاه اهمیت درک رابطه بین ارگانیزم و نظام های محیطی مختلف، از قبیل خانواده و اجتماع را مورد تاکید قرار می دهد. روابطی که در میان نظام های محیطی وجود دارند و به نوبه خود حائز اهمیت هستند. یکی از مدافعان اصلی این دیدگاه، یوری برونفن برنر (۱۹۷۹) است که چارچوبی برای سازمان بندی مجموعه ای از نظام های محیطی ارائه داده است. برونفن چهار بافت یا لایه را پیشنهاد می کند که دامنه آن را نزدیکترین محیط ها از قبیل خانواده یا گروه همسالان، تا بافت های دورتری که کودک دخالت مستقیمی در آن ندارد، مانند دولت محلی، گسترش داد. این نظام ها و روابط آنها می تواند جریان رشد اجتماعی و سازگاری را تغییر دهد. نزدیکترین محیط ها، میکروسیستم نام دارد که به محیط واقعی که کودک در آن زندگی می کند و روابط متقابلی که با سایر افراد دارد، اشاره می کند. ماهیت میکروسیستم در طول رشد تغییر می یابد. در حالی که در دوران کودکی، خانواده و خانه بیشترین اهمیت را دارند، در دوران میانه کودکی و نوجوانی، مدرسه و گروه همسالان، ممکن است بیشتر در کانون توجه قرار گیرد.

۲-۲-۲- تئوری‌های مربوط به مهاجرت

چرا مردم تصمیم به مهاجرت می‌گیرند؟ چرا مهاجرت صورت می‌پذیرد؟ مهاجرین دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟ چرا بعضی از افراد جمعیت در یک خاستگاه معین (کشور، شهر، روستا) می‌مانند و برخی دیگر اقدام به مهاجرت می‌کنند؟ آثار و پیامدهای مهاجرت کدام‌اند؟ پاسخ به این پرسش‌ها در بررسی مهاجرت بسیار مهم است.

همان‌طور که گفته شد، مهاجرت صرفاً یک مفهوم جمعیت‌شناختی نیست. موضوعی بین‌رشته‌ای است و ملاحظات گوناگونی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، جغرافیایی و... در عینیت یافتن این پدیده نقش دارند. در واقع، مهاجرت به عنوان یک پدیده‌ی جمعیتی در انعکاس‌تغییراتی است که در تار و پود جامعه‌ای که مردم به آن تعلق ندارند، اتفاق می‌افتد. بنابراین، در تحلیل و تبیین این پدیده، علاوه بر تحلیل وقوع زمانی و فضایی جابه‌جایی، متن‌جا به جایی نیز باید مورد توجه قرار گیرد (لوکاس و میر، ۱۳۸۴، ص ۱۴۷-۱۴۸).

۲-۲-۲-۱- **قوانین مهاجرت راونشتاین**: برای نخستین بار در سال ۱۸۵۵ راونشتاین بر مبنای مشاهدات مهاجرت داخلی انگلستان و ولز در اواخر قرن ۱۹ میلادی، در مقاله‌ای با عنوان قوانین مهاجرت به تبیین پدیده مهاجرت داخلی پرداخت و در سال ۱۸۸۹ به تکمیل آن پرداخت. نامبرده مشاهدات خود را تحت عنوان قوانین مهاجرت به شرح زیر بیان داشت:

۱- **مهاجرت و فاصله**: میزان مهاجرت بین دونقطه رابطه‌ی معکوسی با فاصله‌ی آن دو نقطه دارد. هر اندازه فاصله‌ی میان مبداء و مقصد کمتر باشد، میزان مهاجرت بیشتر خواهد بود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که حجم عظیمی از مهاجران تنها یک مسافت کوتاه را می‌پیمایند (لوکاس و میر، ۱۳۸۱؛ به نقل از لهسای زاده، ۱۳۶۸، ص ۵۶) با طولانی‌تر شدن فاصله‌ی بین مبداء و مقصد، دو گرایش ضمنی در مهاجران به وجود می‌آید. آن‌ها بیشتر به سمت شهرها به ویژه شهرهای بزرگ و قطب‌های بزرگ صنعتی و تجاری مهاجرت خواهند نمود "... بر این اساس، مهاجرت به نقاط روستایی نیازی به طی مسافت‌های طولانی ندارد و اشتغال در کشاورزی نیز انگیزه‌ای برای مهاجرت به نقاط دور دست محسوب نمی‌شود" (زنجانی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۱).

۲- **مهاجرت مرحله‌ای**: جریان مهاجرت از نقاط روستایی دور افتاده و محروم به شهرهای کوچک و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ است. مهاجرین ابتدا به شهرهای نزدیک‌تر و کوچک‌تر مهاجرت می‌کنند و سپس به شهرهای بزرگ‌تر و مراکز صنعتی و خدماتی می‌گرایند. در واقع، به زعم راونشتاین فرایند مهاجرت به صورت پلکانی و مرحله‌ای از منطق کم جمعیت و کم‌تر فعال به مناطق پر جمعیت و فعال‌تر صورت می‌گیرد (زارع، ۱۳۹۱، ص ۱۷۲).

مردم تمایل دارند به طور منظم از طریق سلسله مراتب محل سکونت با واسطه قراردادن شهرهای کوچک از مناطق محروم و دور افتاده‌ای روستایی به مراکز شهری حرکت کنند (لوکاس و میر، ۱۳۸۴: ۱۵۰). این جریان تا زمانی که نیروهای جاذبه در شهرها و مراکز صنعتی و خدماتی وجود داشته باشد ادامه خواهد (زنجانی، ۱۳۸۱: ۱۳۱).

۳- **دافعه و جاذبه**: فرآیند توزیع و تراکم جمعیت در مناطق مختلف یک کشور بستگی به عوامل جاذبه و دافعه در آن مناطق دارد. برخی از افراد به دلیل دافعه‌های محل اقامت خود و برخی دیگر به سبب جاذبه‌های محلی که قصد اقامت به آنجا را دارند، نقل مکان می‌کنند. هر اندازه عوامل جاذبه در یک منطقه بیش‌تر باشد، تراکم و تمرکز ناشی از مهاجرت جمعیت در آن منطقه بیش‌تر و برعکس، چنانچه عوامل دافعه بیش‌تر از عوامل جاذبه باشد، جذب جمعیت و مهاجرت به آن منطقه کم‌تر است. راونشتاین بر این باور بود که در این فرآیند عوامل جاذبه مهم‌تر از عوامل دافعه است. به اعتقاد او دلیل اصلی مهاجرت آگاهانه و ارادی، بیش‌تر تمایل به پیشرفت است تا فرار از موقعیتی ناخوشایند.

۴- **ارتباطات و مهاجرت:** ارتباطات و توسعه ی آن، آگاهی و شناخت مهاجرین از محیط پیرامونی شان را افزایش می دهد. به سخن دیگر، رابطه ی مستقیمی بین ارتباطات و مهاجرت وجود دارد. با گسترش و توسعه ی ارتباطات، مهاجرت ها نیز فزونی می گیرد.

۵- **برتری انگیزه های اقتصادی در مهاجرت:** روانشتاین علی رغم تأکید بر سایر عوامل مؤثر بر جریان مهاجرت- قوانین بد یا ظالمانه، مالیات های سنگین، شرایط نامساعد اقلیمی، شرایط اجتماعی نامساعد، و حتی اجبار برای انجام مهاجرت- استدلال می کند که هیچ یک از این جریان ها به اندازه ی عوامل اقتصادی در شکل گیری، رشد و استمرار مهاجرت نقش ندارند (زنجانی ۱۳۸۱- ۱۳۱، لهسایی زاده ۱۳۶۸: ۵۸).

۲-۲-۲-۲- **نظریه وابستگی:** طرفداران این نحله بر این باورند که نمی توان بین علل و آثار مهاجرت تفکیک قائل شد. زیرا مهاجرت از طرفی معلول توسعه ی اجتماعی و از سوی دیگر، عامل گسترش و تعمیق توسعه ی نابرابر است. این ها استدلال می کنند که ابتدا باید به مسأله ی عدم توسعه توجه کرد و در این رابطه نابرابری ساختی و مکانی بین بخش های جامعه را در نظر گرفت. در این نظریه، دو دسته عوامل برای بیان علل مهاجرت در نظر گرفته شده است:

۱- **عوامل تغییر دهنده:** این عوامل با نفوذ سرمایه داری و ایجاد تغییر در تکنیک های تولید ارتباط دارد. تکنیک های جدید کارگر اضافی ایجاد می کند و آن ها را مجبور به مهاجرت می کند.

۲- **عوامل رکودی:** این عوامل زمانی عمل می کنند که رشد جمعیت از تولیدات کشاورزی پیش می گیرد و نیروی کار اضافی را مجبور به مهاجرت می کند. بر این اساس، استدلال می کنند که مهاجرت های روستا- شهری با انتقال ساختی روستاها در اثر ادغام در نظام سرمایه داری مرتبط است.

این ها بر این باورند که علت مهاجرت های روستا- شهری را در نهایت باید در توسعه اقتصادی، اجتماعی جستجو کرد. توسعه ی نابرابر شهری و روستایی و تراکم و تمرکز امکانات در یک محیط و بی توجهی به محیط دیگر عامل رانش جمعیت از روستا به شهر است. با سرریز شدن مهاجرین روستایی به شهر، از طرفی ممکن است تولید کشاورزی در روستا از نظر کمی و کیفی رو به کاهش بگذارد. از سوی دیگر، فقر روستایی جای خود را به فقر شهری بدهد. مهاجرین روستایی به دلیل فقدان دانش فنی لازم در اقتصاد صنعتی شهری جذب نمی شوند و جایگاه مناسبی در نظام شهری پیدا نمی کنند (حسینی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۵-۱۹۶).

۲-۲-۲-۳- **مدل مهاجرت تودارو:** تودارو مهاجرت را پدیده ی اقتصادی می داند که از نظر مهاجر- علی رغم وجود پدیده ی بیکاری در شهرها- تصمیمی کاملاً منطقی تلقی می شود. در این مدل میزان مهاجرت براساس تابعی از دو متغیر اختلاف درآمد میان شهر و روستا و احتمال کارایی در مناطق شهری تعیین می شود. به بیان دیگر، مهاجرت بیش تر واکنشی است نسبت به تفاوت درآمد مورد انتظار تا درآمد واقعی در شهر و روستا. در واقع، مهاجرین فرصت های متعدد بازار کار را که برای آن ها در بخش های شهری و روستایی موجود است در نظر می گیرند و در این فرایند به سمتی رو می کنند که منفعت مورد انتظار مهاجر را به حداکثر برساند. (تودارو، ۱۳۶۶، ص ۳۹۳).

در مدل تودارو مهاجرت از روستا به شهر بیش از هر چیز به درآمد مورد انتظار فرد مهاجر در مقصد مربوط می شود. به باور او با توجه به این که بخش قابل توجهی از مهاجرین بین ۱۵ تا ۲۴ سال سن دارند، حتی اگر درآمد مورد انتظار آنان در شهر در سال های اولیه از درآمد روستاییان هم کمتر باشد، چنانچه اطمینان داشته باشند که در آینده وضع بهتری خواهند یافت، اقدام به مهاجرت خواهند نمود.

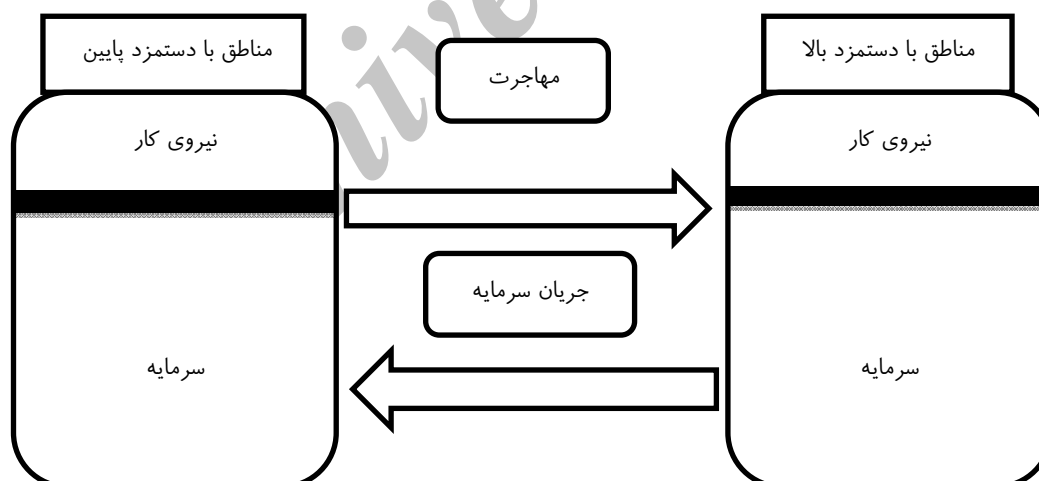
۲-۲-۲-۴- رویکرد بازیابی تعادل: در این رویکرد که از آن با عنوان نظریه ی کارکرد باوری هم یاد می کنند استدلال می شود که وقتی در یک نظام تعادل بهم می خورد، مهاجرت به عنوان عنصری الزامی به منظور برقراری دوباره ی تعادل در یک جامعه می افتد.

در واقع، مهاجرت از یک طرف به مکانیزم تطابق شخص با تغییرات ایجاد شده تبدیل می شود و از سوی دیگر، تعادل از دست رفته را به جامعه باز می گرداند (لهسایی زاده، ۱۳۶۸، ص ۱۳).

از جمله طرفداران این رویکرد می توان به صاحب نظران مکتب نوسازی اشاره کرد. پیروان این دیدگاه در ارتباط با مسأله‌ی مهاجرت از مفهوم عدم تعادل استفاده کرده و بر این باورند که نفوذ ارزش های غربی و اشکال مصرف در کشورهای عقب مانده آرمان ها و آرزوهای جدیدی را در میان بخش های پویای جامعه به وجود می آورد. این تغییرات اجتماعی تعادل را در این جوامع برهم می زند. از آن جا که شهرهای بزرگ هستند که آمادگی ارایه‌ی این ارزش های جدید را دارند، افراد برای دست یابی به این اهداف و آرزوها به سوی این مناطق مهاجرت می کنند .

در این رویکرد، تفاوت های واقعی دستمزد در مناطق مختلف یک کشور، دو جریان را به دنبال می آورد که از طریق آن تعادل جدیدی ایجاد می شود که در آن دستمزدها در همه ی مناطق یکسان می شود (شکل ۱-۲). جریان اول مهاجرت نیروی کار غیر ماهر یا کم مهارت از مناطق با دستمزدهای پایین به مناطقی است که در آن سطح دستمزدها بالاست. جریان دوم جریان انتقال سرمایه از مناطق با دستمزدهای بالا به مناطقی است که در آن سطح دستمزدها پایین است. این جریان سرمایه اساساً شامل سرمایه ی صنعتی کاربر است که با مهاجرت نیروی کار ماهر همراه است. شکل ۱-۲ نشان می دهد که چگونه این مکانیزم به بازیابی تعادل منجر می شود.

شکل ۱-۲ : مکانیزم بازیابی تعادل و جریان سرمایه



در این رویکرد، تفاوت های واقعی دستمزد در مناطق مختلف یک کشور ، دو جریان را به دنبال می آورد که از طریق آن تعادل جدیدی ایجاد می شود که در آن دستمزدها در همه ی مناطق یکسان می شود (شکل ۱-۲). جریان اول مهاجرت نیروی کار غیر ماهر یا کم مهارت از مناطق با دستمزدهای پایین به مناطقی است که در آن سطح دستمزدها بالاست. جریان دوم جریان انتقال سرمایه از مناطق با دستمزدهای بالا به مناطقی است که در آن سطح دستمزدها پایین است. این

جریان سرمایه اساساً شامل سرمایه ی صنعتی کاربر است که با مهاجرت نیروی کار ماهر همراه است. شکل ۲-۱ نشان می دهد که چگونه این مکانیزم به بازیابی تعادل منجر می شود .

آن ها استدلال می کنند که مهاجر روستایی پس از وارد شدن در مقصد در یک ساخت اجتماعی از پیش ساخته و پرداخته شده جذب می شود. این ساخت از نظر اندازه و تراکم- در مقایسه با مبداء- بزرگ تر بوده و از تقسیم کار پیچیده تری برخوردار است. ساخت مقصد ابتدا مهاجر را در خود جذب و سپس با خود همانند می کند. پس از این مرحله، بین مهاجر و محیط اجتماعی رابطه ی متقابلی به وجود می آید که همان یگانگی است. در این مرحله، تنش های بین فرد و محیط از بین رفته و مهاجر باور می کند که دیگر او از محیط و محیط از اوست (حسینی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۷-۱۹۸).

پیشینه پژوهش

بررسی سازگاری اجتماعی و مهاجرت از دیرباز مطرح بوده است و پژوهش های زیادی در سطح دنیا به این موضوع اختصاص یافته است. که ضمن کشف عوامل تأثیر گذار بر آنها، راهکارهای مناسبی نیز ارائه شده است. با مروری بر ادبیات روانشناسی و جامعه شناسی کشورمان ، به نظر می رسد اغلب پژوهش ها در رابطه با این دو عامل به صورت جداگانه بوده است. مختصری از این نتایج در قالب دو بخش سوابق تجربی و پژوهش های انجام شده در ایران و خارج از ایران به شرح زیر ارائه شده است:

۲-۳-۱- سوابق تجربی و پژوهش های انجام شده در ایران

عبدی فرد (۱۳۷۴) " رابطه حمایت اجتماعی و منبع کنترل درونی با سازگاری اجتماعی دانشجویان کارشناسی ارشد، دانشگاه مشهد" را بررسی کرد. وی بیان کرد، رابطه معنا داری بین حمایت اجتماعی با سازگاری اجتماعی و هم چنین متغیر منبع کنترل درونی با سازگاری اجتماعی وجود نداشته است و نتیجه گرفت که متغیرهای حمایت اجتماعی و سازگاری اجتماعی و هم چنین متغیرهای منبع کنترل درونی و سازگاری اجتماعی در جامعه ، مستقل از هم می باشند. آخوندی (۱۳۷۶) به "بررسی رابطه حمایت اجتماعی ادراک شده با سازگاری اجتماعی دانش آموزان شهر تهران" پرداخت. نتیجه پژوهش او بیانگر ارتباط مثبت میان حمایت اجتماعی ادراک شده از دوستان ، همکلاسی ها، خانواده و سازگاری اجتماعی بوده است .

رفیع زاده فرسچی (۱۳۸۱) در تحقیقی تحت عنوان " مقایسه میزان سازگاری دختران مادران شاغل و غیر شاغل در دوره پیش دانشگاهی در شهر مشهد " به این نتیجه رسید که بین میزان سازگاری اجتماعی فرزندان مادران شاغل و غیر شاغل تفاوت معناداری وجود دارد. این نتیجه در راستای پژوهش های لرز، هافمن، باندوچی، گلدواندرز و بیابانگرد می باشد، که در همه این پژوهش ها نتایج حاکی از آن است که فرزندان مادران شاغل از سازگاری اجتماعی بهتری برخوردارند .

اکبری خنجی (۱۳۸۲) در تحقیق پیرامون "سازگاری مهاجران ایرانی در امارات با استفاده از رهیافت کارکرگرای در مهاجرت، با تأکید بر نقش فرهنگ پذیری و رضایت مندی در سازگاری" به بررسی میزان سازگاری مهاجران ایرانی در امارات متحده عربی پرداخته و نتیجه گرفته است که چهار متغیر مدت اقامت ، میزان درآمد، سن، و بعد خانوار با میزان سازگاری مهاجران رابطه معنا دار و مثبت دارند که از میان آن ها مدت اقامت بیش ترین رابطه را با متغیر وابسته یعنی میزان سازگاری دارد (اکبری خنجی، ۱۳۸۲).

شادمان اصل (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان "بررسی سازگاری اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن"، به این نتیجه رسید که میان سازگاری اجتماعی دختران و پسران، پایگاه اجتماعی افراد و سازگاری اجتماعی، سنین مختلف و سازگاری اجتماعی افراد، سازگاری اجتماعی افراد متأهل و افراد مجرد و سازگاری اجتماعی و محل سکونت افراد (تهران، شهر، روستا) تفاوت معناداری وجود دارد .

مقدس و امیری (۱۳۸۵) تحقیقی با عنوان "بررسی سازگاری فرهنگی نسل اول و دوم مهاجران" بر روی مهاجران ترک قشقای ساکن در حاشیه شهر شیراز انجام داده اند. نتایج این تحقیق نشان می دهد، هویت قومی یا نگرش های فرهنگی به سوی مبدأ، رضایت اجتماعی، استفاده از رسانه های جمعی محلی، مدت اقامت، سرمایه ی اجتماعی، محل سکونت قبلی و طبقه ی جدید اجتماعی با سازگاری اجتماعی و روانی مهاجران رابطه معنی داری داشته است.

۲. روش

در این پژوهش از روش علی-مقایسه ای استفاده شده است و پژوهشگر براساس مطالعات پیشین و نظریه ها، فرضیه هایی را طراحی و اقدام به آزمون فرضیه های صورت بندی شده می نماید. در سطح توصیفی، به بررسی عوامل موثر بر سازگاری اجتماعی مهاجرین شهر بومهن پرداخته شده است. از آنجا که روش این مطالعه علی-مقایسه ای است از این رو، علاوه بر گروه مطالعه (مهاجران)، گروه مقایسه (افراد غیرمهاجر/بومی) نیز مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت است. هم چنین در این مطالعه از روش کتابخانه ای برای بررسی پژوهش های پیشین و جمع آوری مطالب مرتبط با پژوهش نیز استفاده شده است. ذکر این نکته نیز ضروری است که در این پژوهش، پژوهشگر مطالعه ی خود را روی گروه هایی که از قبل به صورت طبیعی شکل گرفته بودند انجام داده است و هیچ گروهی به صورت مصنوعی یا آزمایشی شکل نگرفته است. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش شامل کلیه مهاجران ساکن در شهر بومهن، کسانی که طی یک دهه اخیر (طول مدت مهاجرت آنان ۱۰ سال و کمتر از ۱۰ سال) براساس سالنامه آماری مرکز آمار ایران در شهر بومهن ساکن بوده اند. هم چنین جهت مقایسه این گروه با گروه غیرمهاجر/بومی، کسانی که مدت اقامت آنان بیش از ۱۰ سال در شهر بومهن بوده است، نیز انتخاب گردید.

از آنجا که آمار رسمی در خصوص مهاجران شهر بومهن در دسترس نبود براساس سالنامه مرکز آماری ایران افرادی که کمتر از ده سال در یک منطقه سکونت دارند مهاجر شناخته شده و اگر ده سال یا بیشتر سکونت داشته باشند بومی شناخته می شوند، از این رو، با حدود اطمینان ۹۵ درصد، میزان اشتباه مجاز ۰/۰۵ و احتمال وقوع عدم احتمال وقوع نرخ مهاجرت (نرخ مهاجرت) (هریک ۰/۵)، حجم نمونه ۳۸۴ نفر تعیین شده است. از آنجا که دو گروه (بومی و مهاجر) مورد مقایسه قرار می گرفت. از این رو، حجم جمعیت نمونه به ۴۰۰ نفر افزایش یافت. ۲۰۰ نفر به گروه مهاجر و ۲۰۰ نفر به گروه بومی اختصاص داده شد. هم چنین جهت رفع اشکال پرسشنامه های ناقص و بی پاسخ، بیش از ۴۳۰ پرسشنامه بین این دو گروه توزیع گردید. روش نمونه گیری در این مطالعه، با توجه به ماهیت موضوع، روش نمونه گیری هدفمند بوده است.

در این پژوهش برای بخش نظری از روش اسنادی و در بخش سنجش و تحلیل از روش میدانی استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته بوده است که با مراجعه حضوری به نمونه و تکمیل پرسشنامه، بوسیله محقق صورت گرفته است. در مجموع روش جمع آوری اطلاعات از طریق روش اسنادی و پرسشنامه می باشد. این ابزار از دو قسمت تشکیل شده است:

قسمت اول: شامل یک مجموعه سوالات در مورد ویژگی های جمعیت شناختی است، نظیر جنسیت، سن، وضع تاهل، مدرک تحصیلی، وضع اشتغال و نوع شغل، میزان درآمد، میزان هزینه روزانه زندگی، نوع مدرسه فرزندان، تعداد فرزندان، وضعیت مسکن، نوع مسکن و... به عبارتی، این قسمت، مشتمل بر ۱۵ سؤال است که توسط محقق با توجه به اهداف پژوهش ساخته شده است.

قسمت دوم: در این قسمت دیدگاه و نگرش پاسخگویان در رابطه با سازگاری اجتماعی بررسی شده است که شامل جمعاً ۳۸ گویه با مقیاس سنجش طیف لیکرت ۵ گزینه ای (خیلی زیاد، نسبتاً زیاد، تا حدودی، نسبتاً کم و خیلی کم) می باشد. این قسمت شامل ۵ مولفه بوده است. به طوری که عامل آسودگی و آرامش روان شناختی ۴ گویه؛ احساس رضایت شغلی ۱۲ گویه؛ روابط اجتماعی ۱۲ گویه؛ پذیرش ارزش ها و هنجارهای رفتاری ۶ گویه؛ سازگاری خانوادگی ۴ گویه را به خود اختصاص داده اند. دامنه این طیف در گویه ها با بار ارزشی مثبت شامل گزینه های خیلی زیاد (۵)، نسبتاً زیاد (۴)، تا حدودی (۳)، نسبتاً کم (۲) و خیلی کم (۱) است؛ و در گویه ها با بار ارزشی منفی شامل گزینه های خیلی زیاد (۱)، نسبتاً زیاد (۲)، حدودی (۳)، نسبتاً کم (۴) و خیلی کم (۵) بوده است (پرسشنامه در پیوست شماره ۱ آمده است). پرسشنامه پژوهش از نوع محقق ساخته است که برای ساخت و طراحی آن ابتدا ۷۰ جمله که به نحوی گویای نگرش در خصوص عوامل موثر بر سازگاری اجتماعی افراد در پژوهش مورد نظر بود، جمع آوری، نگارش و تدوین گردید که در ادامه جهت به دست آوردن پایایی و روایی این پرسشنامه به شکل زیر اقدام گردید:

۳. یافته ها

- با توجه به نتایج جمعیت شناختی افراد مهاجر در شهر بومهن، مهاجرت پدیده ای اقتصادی بوده است. زیرا علی رغم وجود بیکاری، درآمد پایین و متوسط هزینه زندگی بالا در شهر بومهن، مهاجر اقدام به اقامت در شهر نموده است. هم چنین نتایج نشان داد، بخش قابل توجهی از افراد مهاجر در سن کار قرار داشته اند و علیرغم وجود پایگاه اقتصادی- اجتماعی پایین و متوسط، احتمالاً به امید آینده بهتر اقدام به سکونت و ماندگاری در شهر بومهن کرده اند. تودارو نیز مهاجرت را پدیده ای اقتصادی می داند که از نظر مهاجر- علی رغم وجود پدیده ی بیکاری در شهرها- تصمیمی کاملاً منطقی تلقی می شود (تودارو، ۱۳۶۶، ص ۳۹۳).
- در بررسی فرضیه اول نتایج نشان داد، بین اثر تعاملی "جنسیت" و "سازگاری اجتماعی" افراد مهاجر و غیر مهاجر (بومی) تفاوت معناداری ($F=24/997$ و $Sig=0/000$) وجود داشته است. هم چنین با مراجعه به نتایج جدول آزمون تجزیه واریانس دوطرفه نیز می توان بیان کرد بین عامل جنسیت و سازگاری اجتماعی ($F=1/197$ و $Sig=0/275$) تفاوت معنادار مشاهده نشده است. اما بین سازگاری اجتماعی افراد مهاجر و غیرمهاجر تفاوت معنادار ($F=7/219$ و $Sig=0/008$) وجود داشته است.
- در مجموع با توجه به نتایج این فرضیه می توان اظهار کرد، میانگین سازگاری اجتماعی زنان مهاجر بیشتر از میانگین سازگاری اجتماعی مردان مهاجر بوده است و این احتمالاً می تواند به این علت باشد که زنان مهاجر در مقصد برای این که آسایش و آرامش را برای اعضای خانواده ایجاد کنند، خود را بهتر و راحت تر با شرایط محیط وفق می دهند. با رجوع به چارچوب نظری پژوهش و دیدگاه جامعه شناسان، می توان به فرض نظریه پردازان تئوری انطباق فرد و محیط این است که سازگاری می تواند به عنوان انطباق بهتر ویژگی های فرد و خصوصیات محیط باشد. انطباق فرد با محیط می تواند به عنوان نتیجه ای از کنش متقابل بین شخص و محیط باشند. هم چنین می توان به نظریه انگل (مکتب فونکسیونل یا عمل) نیز اشاره کرد. به نظر او اگر در جریان سازگاری، فعالیت های روانی ما بدون برخورد به مانع به پیشرفت خود ادامه دهند، احساس مسرت می کنیم. اما اگر این فعالیت ها با موانعی روبرو شوند و ما را از پیشرفت باز داشتند، در این صورت احساس ناخوشایندی در ما ایجاد می شود (شریعتمداری، ۱۳۸۲). به علاوه با مروری بر مطالعات پیشین می توان بیان نمود، نتایج این مطالعه با نتایج پژوهش های انجام شده وندی کی و کاترین جی (۲۰۰۶) همخوانی داشته است.

- در بررسی فرضیه دوم نتایج نشان داد، بین اثر تعاملی وضعیت تاهل و سازگاری اجتماعی افراد مهاجر و غیر مهاجر (بومی) تفاوت معناداری ($F=25/976$ و $Sig=0/000$) وجود داشته است. هم چنین با مراجعه به نتایج آزمون تجزیه واریانس دوطرفه نیز می توان بیان کرد، بین عامل وضعیت تاهل و سازگاری اجتماعی ($F=0/053$ و $Sig=0/813$) تفاوت معناداری مشاهده نشده است. به علاوه بین سازگاری اجتماعی افراد مهاجر و غیرمهاجر تفاوت معنادار ($F=1/430$ و $Sig=0/233$) وجود نداشته است.
- در مجموع با توجه به نتایج فرضیه میانگین سازگاری اجتماعی افراد مجرد مهاجر کمتر از میانگین سازگاری اجتماعی افراد متأهل مهاجر بوده است؛ و احتمالاً این امر به جهت تعهدات زناشویی می باشد که بین زوجین وجود دارد و باعث می شود افراد خود را بیشتر با جامعه سازگار نمایند. با رجوع به چارچوب نظری پژوهش و دیدگاه جامعه شناسان، می توان به فرض نظریه اسکات در مورد سازگاری خانوادگی اشاره کرد. مکانیسم هایی است که توسط آن یک فرد به احساس امنیت و اعتماد نسبت به اعضای خانواده خود، خصوصاً والدین دست می یابد و توسط آن با آنها ارتباط درست برقرار می کند (سیف و همکاران، ۱۳۷۱). احساس امنیت عاطفی از مهم ترین عواملی است که در سازگاری مهاجر می تواند مؤثر باشد. هم چنین با مروری بر مطالعات پیشین می توان بیان نمود، نتایج این مطالعه با نتایج پژوهش های انجام شده بروان (۱۹۸۳) هم خوانی داشته است.
- در بررسی سوم نتایج نشان داد، بین اثر تعاملی گروه سنی و سازگاری اجتماعی افراد مهاجر و غیر مهاجر (بومی) تفاوت معناداری ($F=2/757$ و $Sig=0/042$) وجود داشته است. هم چنین با مراجعه به نتایج جدول آزمون تجزیه واریانس دوطرفه نیز می توان بیان کرد، بین عامل گروه سنی و سازگاری اجتماعی تفاوت معناداری ($F=2/395$ و $Sig=0/068$) مشاهده نشده است. به علاوه، بین سازگاری اجتماعی افراد مهاجر و غیرمهاجر تفاوت معنادار ($F=1/510$ و $Sig=0/220$) وجود نداشته است.
- در کل با توجه به نتایج فرضیه میانگین سازگاری اجتماعی افراد مهاجر زیر سی سال کمتر از میانگین سازگاری اجتماعی افراد مهاجر بالای سی سال بوده است و می توان بیان کرد که احتمال این تفاوت به میزان پختگی سنی و تجربیات افراد در سنین بالاتر بر می گردد. براساس فرض نظریه پردازان تئوری شناختی- اجتماعی، آدمیان و موقیعت ها به دو صورت بر هم تاثیر می گذارند. لذا برای آن که بتوان به پیش بینی رفتار دست زد، باید از تعامل ویژگی های آدمی با شرایط محیطی اطلاع حاصل نمود. به نظر آنها تعهد، کنترل، مبارزه جویی و توانایی در برقراری روابط محبت آمیز با دیگران، از جمله خصوصیتی است که افراد سازگار با مقدار بیشتری از آنها برخوردارند (انکینسون و همکاران، ۱۳۷۸). هم چنین با مروری بر مطالعات پیشین می توان بیان نمود، نتایج این مطالعه با نتایج پژوهش های انجام شده اکبری خنجی (۱۳۸۲) همخوانی داشته است.
- در بررسی فرضیه چهارم نتایج نشان داد، بین اثر تعاملی پایگاه اقتصادی- اجتماعی و میزان سازگاری اجتماعی افراد مهاجر و غیر مهاجر (بومی) تفاوت معناداری ($F=7/298$ و $Sig=0/000$) وجود داشته است. هم چنین با مراجعه به نتایج آزمون تجزیه واریانس دوطرفه نیز می توان بیان کرد که بین عامل پایگاه اقتصادی و اجتماعی با سازگاری اجتماعی تفاوت معناداری ($F=8/478$ و $Sig=0/000$) مشاهده شده است. به علاوه، بین سازگاری اجتماعی افراد مهاجر و غیرمهاجر تفاوت معنادار ($F=3/974$ و $Sig=0/047$) وجود داشته است.
- در مجموع نتایج فرضیه نشان داده است، میانگین سازگاری اجتماعی افراد مهاجر نسبت به افراد بومی کمتر بوده است. البته میزان سازگاری اجتماعی در پایگاه اقتصادی- اجتماعی در سطح بالا و متوسط بیشتر از سطح پائین بوده است. براساس نظریه تودارو، می توان بیان کرد، مهاجرت افراد مهاجر شهر بومهن نتیجه پدیده بیکاری و نبود فرصت های

شغلی در شهر مبدا بوده است. از این رو، این افراد به امید آینده و دستیابی به شرایط اقتصادی بهتر، سعی می کنند مشکلات اقتصادی - اجتماعی موجود را تحمل کنند. البته این امر بر روی سازگاری اجتماعی آنان تاثیر منفی نیز می گذارد. اهم چنین با مروری بر مطالعات پیشین می توان بیان نمود، نتایج این مطالعه با نتایج پژوهش های انجام شده شادمان اصل (۱۳۸۲) همخوانی داشته است.

• در مجموع با توجه به نتایج فرضیه های مورد بررسی و با بهره گیری از فرض نظریه پردازان تئوری بازیابی رویکرد تعادل می توان بیان نمود، که مهاجر روستایی پس از وارد شدن در مقصد در یک ساخت اجتماعی از پیش ساخته و پرداخته شده، جذب می شود. این ساخت از نظر اندازه و تراکم - در مقایسه با مبدا - بزرگ تر بوده و از تقسیم کار پیچیده تری برخوردار است (حسینی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۷-۱۹۸). ساخت مقصد ابتدا مهاجر را در خود جذب و سپس سعی در همانند کردن مهاجر با خود کرده است. پس از این مرحله، بین مهاجر و محیط اجتماعی رابطه ی متقابلی به وجود می آید که همان یگانگی است. در این مرحله، تنش های بین فرد و محیط کم کم از بین رفته و مهاجر باور می کند که دیگر او از محیط و محیط از اوست.

Archive of SID

منابع

- آخوندی، احمد (۱۳۷۶). بررسی رابطه حمایت اجتماعی ادراک‌شده با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.
- آرام‌نیا، الهام (۱۳۷۷). میزان سازگاری اجتماعی در نوجوانان تیزهوش و عادی. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روانشناسی عمومی. دانشگاه آزاد رودهن.
- آزاد، حسین (۱۳۷۳). آسیب‌شناسی روانی. تهران: نشر بعثت.
- اتکینسون و دیگران (۱۳۷۸). زمینه روان‌شناسی (جلد ۲). (محمدتقی برهانی و دیگران، مترجمان). تهران: رشد.
- اسلامی‌نسب، علی (۱۳۷۳). روانشناسی سازگاری (چگونه با خود، طبیعت و اجتماع سازگار شویم) (چاپ اول). تهران: چاپ و نشر بنیاد.
- اکبری‌خنجی، نظام (۱۳۸۲). مهاجرت و سازگاری: پژوهشی در مورد ایرانیان مقیم در امارات متحده عربی. شیراز: انتشارات نوید.
- بیدل‌نامی، مسعود (۱۳۸۱). بررسی رابطه بین عملکرد خانواده با سازگاری فردی، اجتماعی و تحصیلی فرزندان. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- پروین، لارنس ای (۱۳۷۲). روان‌شناسی شخصیت. (جلد ۲). (محمد جعفر جوادی؛ پروین کدیور، مترجمان). تهران: رسا.
- پور مقدس، علی (۱۳۶۷). روانشناسی سازگاری. (چاپ دوم). تهران: انتشارات مشعل.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۶). توسعه اقتصادی در جهان سوم. (غلامعلی فرجادی، مترجم). تهران: انتشارات سازمان برنامه بودجه.
- حسینی، حاتم (۱۳۸۹). تغییرات و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، تهران: انتشارات سمت.
- رفیع‌زاده فرشیچی، اعظم (۱۳۸۱). مقایسه میزان سازگاری فرزندان مادران شاغل و غیر شاغل در دوره پیش‌دانشگاهی شهر مشهد. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دانشگاه الزهراء.
- زارع، بیژن (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی جنگ: تحلیل جامعه‌شناسی مهاجران در مقصد. تهران: جهاد دانشگاهی.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۱). تحلیل جمعیت‌شناسی. تهران: انتشارات سمت.
- سالنامه آماری مرکز آمار ایران
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه (۱۳۷۶). روش تحقیق در علوم رفتاری. (چاپ اول). تهران: انتشارات آگاه.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۱). اندازه‌گیری و ارزیابی پیشرفت تحصیلی. تهران: نشر آزاد.
- شادمان‌اصل، میترا (۱۳۸۲). بررسی سازگاری اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دانشگاه آزاد رودهن.
- شاملو، سعید (۱۳۶۸). مکتب نظریه‌ها در روانشناسی شخصیت. (چاپ دوم). تهران: رشد.
- شریعتمداری، علی (۱۳۸۲). روانشناسی تربیتی. (چاپ شانزدهم). تهران: امیرکبیر.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۶۸). روان‌شناسی رشد ۲ نوجوان و بلوغ. (چاپ اول). تهران: انتشارات پیام نور.
- شیخی، محمدتقی (۱۳۶۹). جامعه‌شناسی جهان سوم. تهران: انتشارات اشراقی.

- صدیقی، کاظم (۱۳۸۰). بررسی اثر بخشی آزمون گروهی عزت نفس به شیوه های رفتار شناختی بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان شهر بروجن. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان .
- عابدینی، یاسمین (۱۳۸۱). بررسی رابطه مهارت های حل مسائل اجتماعی با پذیرش همسالان در دانش آموزان دختر پایه های دوم و پنجم ابتدایی شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- عبدی فرد، سهیلا (۱۳۷۴). بررسی رابطه حمایت اجتماعی و منبع کنترل درونی با سازگاری اجتماعی دانشجویان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم .
- فخرایی، سیروس (۱۳۷۴). عوامل اجتماعی مؤثر در افسردگی دانشجویان دانشگاه الزهراء. مجله علمی و پژوهشی علوم انسانی. شماره ۵.
- گوداشتاين، لئونارد دیوید و لانیون، ریچارد آی (۱۹۹۵). ارزیابی شخصیت. (سیامک نقشبندی، مترجم). تهران: نشر روان .
- لوکاس و میر، پاول (۱۳۸۴). درآمدی بر مطالعات جمعیتی. (حسین محمودیان، مترجم). تهران : موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- میلر، دلبرت، چارلز (۱۳۸۰). راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی. (چاپ اول). (هوشنگ نائی، مترجم). تهران: نشر نی.
- نوری، مرجانه (۱۳۷۷). بررسی ارتباط خود گویهای درونی با سازگاری اجتماعی - عاطفی و آموزشی در دختران پیش دانشگاهی و تأثیر آموزش خود گویهای تسهیل کننده بر این سازگاری. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهراء.
- وقوفی، حسن (۱۳۸۰). فرار مغزها. تهران: انتشارت زهد .
- **Chen Xinyin ; and – other ; 1997 ; Relation Between Aczdemc Achievement and social Adjustment : Evidencefrom chinese chikdren ;Reports – Research ; Journal Articales ; china – shanghai.**
- **Otmane, A. O. & Van D Vijver, F.R.(2005).**“The role of demography variable and acculturation attitudes in predicting sociocultural and psychological adaptation in Moroccans in the Netherlands”. International Journal of Intercultural Relations, Vol. 29, pp. 251-272.
- **Portes, A . 1989 ,** Contem porary Immigreaion : Theoretical Perspectives on IES determination modes of incorporation , International migration review , 23(3) : 603 – 630.
- **Slomowski, C., & Dunn, J.(1996).** Young children understands of other people’s feeling and belifs. Child Development, 62, 1352-1336.